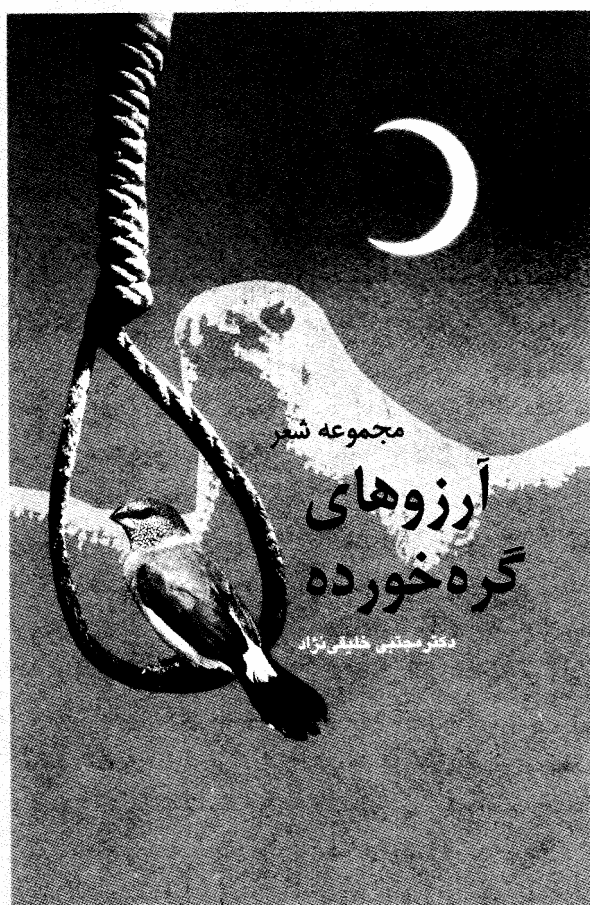


## معرفی کتاب

دکتر فریدون سیامک نژاد



غلبه دارد و آن گونه که بایسته و شایسته است، به خلاقیت هنری آراسته نیست، اما آثاری نیز، گاه بر صحنه هنر ظاهر می‌شوند که بیرون از دایره عادات و تکرار روز مرگی، نقش بی‌شائبه‌ای را ایفا می‌کنند، تا بازتاب دردی و تحملی و تمرکز و تأملی باشند.

مجموعه آرزوهای گره خورده از دیدگاه سنجش با معیارهای هنر شاعری، اگر چه شگفتی ویژه‌ای را برنمی‌انگیزد، اما به لحاظ تازگی نگاه و تبلور ذهن و سیلان عاطفه و پرواز غیر تقلیدی خیال و نیز ترکیب آگاهانه احساس و اندیشه، به میزان قابل توجهی از مصنوعیت در برابر عوارض ژورنالیستی و کلیشه‌ای بهره‌مند است، هر چند که این صیانت در تمامی صفحات حاکم نیست اما در اکثر سطور به نشانه‌هایی برمی‌خوریم که در آنها روشنگری هنری به چشم می‌خورد. نشانه‌هایی که علاوه بر داشتن پیوند آگاهانه با ذهنیت و عبور از سطح به عمق و رسیدن به لایه‌های شعری، از انسجام زیان و تصویر و مفاهیم حکایت دارد. انتظار داریم این اثر که نخستین مجموعه شعر، از این سراینده است و ۷۵ قطعه شعر در قالب نو را در برمی‌گیرد، نویدی در جهت آفرینش آثاری دیگر و آرایه مجموعه‌هایی برتر و ماندگارتر باشد.

به هر حال افرادی چون آقای دکتر مجتبی خلیقی نژاد، هم افتخار جامعه پزشکی هستند و هم در جهت هر چه پربرتر شدن شعر و شاعری در این مرز و بوم گام می‌زنند که آرزو داریم همیشه گام‌هایشان استوار و قلمشان سبز و مستدام باشد.

نام کتاب: مجموعه شعر «آرزوهای گره خورده»  
 مؤلف: دکتر مجتبی خلیقی نژاد  
 ناشر: انتشارات نقش‌مانا  
 شمارگان: ۳۱۰۰ نسخه  
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۲  
 قیمت: ۱۰,۰۰۰ ریال

نام آقای دکتر مجتبی خلیقی نژاد، نامی آشنا برای همکاران و مخاطبین ماهنامه رازی است. اشعار خوب ایشان به کرات زینت بخش صفحه پزشکی و ادبیات رازی بوده است. امیدواریم که انتشار کتاب شعر اخیر ایشان نیز بتواند نام ایشان را آشنای جامعه ادبی کشور نماید. مقدمه کتاب تحت عنوان «یک نگاه» به قلم آقای بهمن رافعی است. ایشان در «یک نگاه» چندین نگاشته‌اند:

«لحظه‌ها، چشمه چشمه می‌جوشند و واژه‌ها، قطره قطره به هم می‌آمیزند و سطر سطر جاری می‌شوند و روشنایی را در امتداد رستن و شکفتن می‌گسترانند تا باغ زندگی سرشار شود از عطر و رنگ بودن و سرودن. و بدین گونه است که درخشندگی ذهن، در جلوه‌گاه عاطفه و خیال، هرگز کدورت نمی‌پذیرد.

هنوز، با این همه هجوم پاییزها و همه‌مهره برگریزها، گاه به گاه دفتر شعری، برگ برگش را در برابر نگاه من و تو می‌گشاید تا اندیشه و احساس، عشق و حماسه و موج بودن و سرودن، در حد توان قلم سراینده، آرایه شود. اگرچه در بسیاری از آثار مکتوب هنری روزگار ما، قالب و تکنیک بر دستمایه و محتوا